

ارزشهای بشر دوستانه در فرهنگ ایران

محمد علی بهمنی قاجار

رفتار انسانی با اسیران جنگی، ضوابط روشهای جنگی، ممنوعیت تعرض به کودکان و زنان و تخریب محیط زیست در سخنان پیشوایان دین اسلام نمود یافته است.^۳ گذشته از پیشینه ارزشهای بشر دوستانه در تمدنهای گوناگون، در سده‌های اخیر اندیشمندان و حقوق‌دانان کوشیده‌اند قواعدی جهانشمول بر پایه ارزشهای بشر دوستانه تدوین کنند. این کوششها که نقطه آغازین آنرا می‌توان در نوشته‌های گروسیوس هلندی در سده ۱۷ میلادی یافت، با برپایی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ۱۷ فوریه ۱۸۶۳ به دورانی تازه گام نهاد و در چارچوب کنوانسیونهای لاهه و ژنو، اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تدوین شد.^۴ در این سالها، با برپایی دیوان کیفری بین‌المللی (تأسیس ۱۹۹۸)^۵ و نیز دادگاههای کیفری بین‌المللی ویژه در مورد رویدادهای یوگسلاوی و رواندا^۶ و همچنین با توجه به اقدامات نهادهایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری^۷ و شورای امنیت سازمان ملل متحد^۸، دامنه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بسیار گسترش یافته و از قواعدی مدون و عرفی^۹ برخوردار شده است که پیوسته رو به پیشرفت است.^{۱۰} در روزگار کنونی که دوران توسعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است، بجاست که بار دیگر نگاهی به پیشینه ارزشهای بشر دوستانه در فرهنگ و تاریخ جهان افکنده شود. این کار، دوستداران حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را یاری خواهد داد تا هم با پیشینه ارزشهای بشر دوستانه بیشتر آشنا شوند و هم از زمینه‌های مناسبی که در فرهنگ جوامع گوناگون برای پذیرش و به کارگیری قواعد بشر دوستانه وجود دارد،

جوامع انسانی از هنگام پیدایش، همواره با خطر جنگ روبه‌رو بوده‌اند. تاریخ بشر پر است از جنگهای مهیبی که تلفات گسترده به جای گذاشته و گاه بنیاد جوامعی را برهم زده است. زیانهای جنگ، از دیرباز، بسیاری از اندیشمندان در سرزمینهای گوناگون را به تلاش در راه از میان بردن زمینه‌های جنگ و پایه‌گذاری صلح فراگیر و پایدار واداشته است. اندیشمندان و مصلحان در چارچوب تمدنهای گوناگون کوشیده‌اند با برشمردن سودمندیهای صلح و زیانهای جنگ، از جنگ جلوگیری کنند و سپس چنانچه جنگ به هر دلیل گریزناپذیر باشد، تا آنجا که امکان‌پذیر است قواعدی انسانی بر جنگ حکمفرما گردد تا از رنج و بدبختی جنگ‌زدگان کاسته شود، کرامت و شأن انسانی خدشه‌دار نگردد و غیر نظامیان هر چه بیشتر از تیررس جنگ مصون مانند. از این رو، تلاش برای برپاداشتن صلح و پاسداری از ارزشهای انسانی در جنگها که از آن می‌توان بعنوان ارزشهای بشر دوستانه یاد کرد، نمونه‌های برجسته‌ای در تمدنهای کهن دارد: در فرهنگ هند باستان در حماسه مهاباراتا به رعایت اصول و قوانین اخلاقی در جنگها توجه شده بود^۱؛ در یونان باستان قواعدی درباره ممنوعیت جنگ در روزهای مقدس، محدودیت مجازات تسلیم‌شدگان و آزادی اسیران وجود داشت؛ نمونه‌هایی از این دست در تمدنهای چین، ژاپن، سومر، روم و ایران نیز به چشم می‌خورد^۲ که در این نوشتار به ارزشهای بشر دوستانه در تمدن ایرانی خواهیم پرداخت.

در تمدن اسلامی نیز، ارزشهای بشر دوستانه همچون

بودن صلح اشاره شده است. برای نمونه، دربارهٔ سخنان سیاوش، اسطورهٔ صلح‌جویی و جنگ‌ستیزی در شاهنامه، آمده است:

سیاوش چنین گفت کاین رای نیست
همان جنگ را مایه و جای نیست^{۱۲}
در جایی دیگر، رستم بزرگترین پهلوان شاهنامه در ستایش صلح و نکوهش جنگ می‌گوید:

کسی کاشتی جوید و سورو بزم
نه نیکو بود تیز رفتن به رزم
همه یافتی، جنگ، خیره مجوی
دل روشنت ز آب تیره‌م‌شوی^{۱۳}
در سخنی دیگر از رستم، تأکید شده است ناپسند بودن جنگ تا آنجا آشکار است که حتا درندگان یا سنگ و کوه نیز از این نکته آگاهند:

پلنگ این شناسد که پیکار و جنگ
نه خوبست و داند همی کوه و سنگ^{۱۴}
از دیگر پهلوانان نیک‌اندیش در شاهنامه که تباری تورانی دارد، «پیران» است که دربارهٔ برتری داشتن صلح بر جنگ می‌گوید:

مرا آشتی بهتر آید ز جنگ
نباید گرفتن چنین کار تنگ^{۱۵}
در شاهنامه، گذشته از آنکه صلح بر جنگ برتری دارد، دست‌یازیدن بیهوده به جنگ، تنگی غیر قابل

○ در شاهنامهٔ فردوسی، بعنوان برجسته‌ترین نماد فرهنگ و تمدن ایرانی، به ستایش صلح و نکوهش جنگ پرداخته شده و همچنین بر ارزشهای بشر دوستانه‌ای مانند ناروا بودن دست‌اندازی به جان و دارایی غیر نظامیان در جنگ، خوش رفتاری با اسیران و نظامیان تسلیم شده و پاس داشتن کرامت انسانی نیروهای دشمن انگشت گذاشته شده است.

آگاهی یابند. از این رو در این نوشتار ارزشهای بشر دوستانه در فرهنگ ایران در دو بخش بررسی می‌شود.

نخست به صلح‌جویی و نفی جنگ در فرهنگ ایرانی پرداخته می‌شود و سپس اهمیت رعایت قواعد بشر دوستانه در جنگ بررسی می‌گردد. البته گفتنی است که:

۱- بررسی ارزشهای بشر دوستانه در فرهنگ ایرانی و کاربرد اصطلاحات مربوط به اصول بنیادی حقوق بشر دوستانه در این بررسی، بدین معنا نیست که ارزشهای کهن بشر دوستانه با اصول امروزین حقوق بشر دوستانه یکسان گرفته شود، بلکه از آن رو که همانندیهایی میان آن ارزشهای کهن و اصول امروزین وجود دارد و با توجه به اینکه آنها دو چیز جداگانه‌اند، از اصطلاحات و عناوین امروزین برای تبیین هر چه بهتر ارزشهای بشر دوستانه بهره گرفته شده است.

۲- در این نوشتار، بررسی ارزشهای بشر دوستانه در فرهنگ ایران به بررسی مواردی در شاهنامهٔ فردوسی محدود شده است. این بدان معنا نیست که این ارزشها در تاریخ و فرهنگ ایرانی از شاهنامهٔ فردوسی فراتر نمی‌رود. در تاریخ ایران نمونه‌های برجسته‌ای در زمینهٔ احترام به کرامت انسانی و ارزشهای بشر دوستانه وجود دارد همچون فرمانهای کوروش بزرگ (متوفی - ۵۲۹ پ.م) و رفتارش در جنگ با بابل و لیدی که خود می‌تواند موضوع بررسیهای جداگانه در زمینهٔ رعایت ارزشهای بشر دوستانه در جهان باستان باشد.^{۱۱} بنابراین بررسی شاهنامه تنها از این روست که از گسترش مطالب جلوگیری و به بررسی موردی شاهنامهٔ فردوسی که آئینهٔ تمام‌نمای فرهنگ ایرانی است، بسنده شود.

الف - صلح در فرهنگ ایرانی

«بررسی موردی شاهنامه فردوسی»

بخش بزرگی از شاهنامه به جنگها و نبردهای میهنی اختصاص دارد. با وجود این، فردوسی همواره بر برتری داشتن صلح بر جنگ انگشت گذاشته و به بیان ناپسندی و زشتی جنگ پرداخته است. در برخی ابیات شاهنامه با دیدگاهی خردگرایانه به ناپسند بودن جنگ و سودمند

و جنگ‌ستیزی، جان خود را از دست می‌دهد، به برادران خواهان جنگ خود می‌گوید:

جهان خواستی یافتن خون مریز
مکن با جهاندار یزدان ستیز
پسندی و همداستانی کنی
که جاندار ی و جانستانی کنی^{۱۸}
در جایی دیگر، از زبان «سیندخت» همسر پادشاه کابل در نکوهش جنگ و خونریزی آمده است:
تو دانی نه نیکوست خون ریختن
ابایی گناهان بر آویختن^{۱۹}
در جایی دیگر از شاهنامه، از زبان سیاوش، در نکوهش جنگ طلبی پدرش «کیکاووس» و با تأکید بر پرهیز از خونریزی گفته شده است:

ورا گرز بهر فزون‌یست جنگ
چو جنگ آمد و کشور آمد به چنگ
چه باید همی خیره خون ریختن
چنین دل بکین اندر آویختن^{۲۰}
از دید فردوسی، جنگ نه تنها ماهیتی خردستیزانه، که سرشتی ضد خدایی دارد. به دیگر سخن، دست یازیدن به جنگ تجاوز کارانه در شاهنامه به معنای پیکار با پروردگار و برگزیدن روشی است در ستیز با اراده خداوندی. نمونه‌های بسیاری در این باره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

از زبان سیندخت درباره سرشت ضد خدایی جنگ:
از آن ترس کوهوش و زور آفرید
در خشنده ناهید و هور آفرید
نیاید چنین کارش از تو پسند
میانرا بخون ریختن برمبند
خداوند ما و شما خود یکیست
بیزدانمان هیچ پیکار نیست^{۲۱}
از زبان سیاوش در بیان ناسازگاری جنگ تجاوز کارانه با خواست خداوند:
ورایدونکه جنگ آورم بی گناه
چنین خیره با شاه توران سپاه
جهاندار نپسندد این بد زمن
گشاید بر من زبان انجمن^{۲۲}

○ در این نوشتار، بررسی ارزشهای بشر دوستانه در فرهنگ ایران به بررسی مواردی در شاهنامه فردوسی محدود شده است. این بدان معنا نیست که این ارزشها در تاریخ و فرهنگ ایرانی از شاهنامه فردوسی فراتر نمی‌رود. در تاریخ ایران نمونه‌های برجسته‌ای در زمینه احترام به کرامت انسانی و ارزشهای بشر دوستانه وجود دارد همچون فرمانهای کوروش بزرگ و رفتارش در جنگ با بابل و یلیدی که خود می‌تواند موضوع بررسیهای جداگانه در زمینه رعایت ارزشهای بشر دوستانه در جهان باستان باشد.

چشم‌پوشی شمرده شده است:

بگوهر بر آن روز ننگ آورم
که من پیش شه‌هدیه جنگ آورم^{۱۶}
در جای جای شاهنامه، تنها به نفی کلی جنگ و بیان این نکته که صلح بر جنگ برتری دارد، بسنده نشده، بلکه بر پیامدهای زیانبار جنگ نیز انگشت گذاشته شده است؛ برای نمونه از زبان افراسیاب که پهلوانی جنگ طلب بوده ولی در برهه‌هایی از رفتار خود پشیمان می‌شده، آمده است:

بسی نامداران که بر دست من
تبه شده جنگ اندر آن انجمن
مراسیر شد دل ز جنگ و بدی
همی جست خواهم ره ایزدی
کنون دانش و داد باز آوریم
بجای غم و رنج ناز آوریم^{۱۷}
یکی از مهمترین پیامدهای زیانبار جنگ، خونریزی است. در شاهنامه، با بیان این نکته که جنگ با خونریزی در پیوند است، به نکوهش جنگ پرداخته شده است. ایرج نخستین پهلوان شاهنامه که در راستای صلح‌جویی

اینها تنها نمونه‌هایی درباره اهمیت صلح در شاهنامه فردوسی بود و مصادیق فراوان دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که از آنها می‌گذریم.

ب- اهمیت رعایت قواعد بشردوستانه در جنگ،

در فرهنگ شاهنامه فردوسی

موضوع رعایت قواعد بشردوستانه در شاهنامه فردوسی را می‌توان در پرتو سه اصل بررسی کرد: «اصل رفتار انسانی»

در شاهنامه بارها بر لزوم نگهداشت کرامت انسانی سربازان دشمن و نادیده گرفتن نژاد و مذهب آنان انگشت گذاشته شده است. برای نمونه، «کیخسرو» پادشاه اسطوره‌ای ایرانیان پس از تصرف توران (آسیای مرکزی امروز) با وجود جنگهای بسیار و کینه‌های دیرینه میان ایرانیان و تورانیان، سپاهیان ایران را به بزرگ داشتن تورانیان فرامی‌خواند و می‌گوید:

زدلها همه کینه بیرون کنید
بمهر اندرین کشور افسون کنید
بکوشید خوبی بکار آورید
چو دیدید سرما بهار آورید^{۲۳}

در بخش تاریخی شاهنامه نیز در بیان جنگهای ایران و روم در سده چهارم میلادی و در دوران پادشاهی شاهپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م) لزوم پاسداشت کرامت انسانی سربازان دشمن یادآوری شده است. در این جنگ با وجود اینکه رومیان مسیحی و ایرانیان زرتشتی بودند و نژاد آنها نیز متفاوت بود، هنگامی که امپراتور روم به جنگی تجاوز کارانه علیه شاهپور دست زد و از وی شکست خورد، از شاهپور درخواست می‌کند تا به خاک روم یورش نبرد و در این باره به وی می‌گوید:

تو دانی که تاراج و خون ریختن
ابابگنه مردم آویختن
مهان سرفراز دارند شوم
چه با شهر ایران چه با شهر روم^{۲۴}

پاسخ شاهپور نیز به این درخواست امپراتور روم چنین بود:

هم اندر زمان نامه پاسخ نوشت

بگفت آن کجارتنه بد خوب و زشت
چو زنه‌ار دادم نسا زمت جنگ
جهان نیست بر مرد هشیار تنگ^{۲۵}

یکی از جلوه‌های ارج نهادن به کرامت انسانی نیروهای دشمن، خوش رفتاری با اسیران جنگی و خودداری از تجاوز به شخصیت آنان است؛ نکته‌ای که در شاهنامه فردوسی مورد توجه بوده است. در یکی از جنگهای کیخسرو پادشاه اسطوره‌ای ایران با افراسیاب پادشاه توران، گروهی از سپاهیان افراسیاب به اسارت سپاه کیخسرو درمی‌آیند. کیخسرو با وجود کینه‌زرفی که تورانیان از وی داشته‌اند، با مهربانی به آنان رو می‌کند و ضمن همدردی با آنان، اسیران را در ماندن نزد کیخسرو بعنوان مهمان یا بازگشت به سرزمین خود مؤخر می‌سازد و می‌گوید:

کنون بر شما گشت کردار بد
شناسد هر آنکس که دارد خرد
نیم من بخون شما شسته چنگ
نگیرم چنین کار دشوار تنگ
همه یکسره در پناه منید
اگر چند بدخواه گاه منید

○ از مهمترین پیامدهای زیانبار جنگ، خونریزی است. در شاهنامه، با بیان این نکته که جنگ با خونریزی در پیوند است، به نکوهش جنگ پرداخته شده است. ایرج نخستین پهلوان شاهنامه که در راستای صلح جویی و جنگ‌ستیزی، جان خود را از دست می‌دهد، به برادران خواهان جنگ خود می‌گوید:

جهان خواستی یافتن خون مریز
مکن با جهاندار یزدان ستیز
پسندی و همداستانی کنی
که جاننداری و جانستانی کنی

هر آنکس که خواهد که باشد رواست
درین کار نافزایش آید نه کاست
هر آنکس که خواهد که زی شاه خویش
گذارد نگیـرم بروراه پیش^{۲۶}

«اصل ضرورت نظامی»

در شاهنامه فردوسی بر این نکته که هر فعالیت نظامی باید توجیه نظامی داشته باشد، انگشت گذاشته شده و در این راستا، ناروا بودن کارهایی چون غارت شهر یا محل تصرف شده و تخریب یا ضبط دارایی غیر نظامیان و نیز حمله به کسی که جنگ افزار بر زمین گذاشته است (نظامی تسلیم شده) یادآوری شده است. نمونه‌هایی چند در این زمینه:

کیخسرو پس از پیروزی بر تورانیان، به سپاهیان ایران فرمان می‌دهد:

ز چیز کسان سربپیچید نیز
که دشمن شود دوست از بهر چیز
هر آنکس که جوید همی رای من
نباید که ویران کند جای من

○ یکی از جلوه‌های ارج نهادن به کرامت انسانی نیروهای دشمن، خوش رفتاری با اسیران جنگی و خودداری از تجاوز به شخصیت آنان است؛ نکته‌ای که در شاهنامه فردوسی مورد توجه بوده است. در یکی از جنگهای کیخسرو پادشاه اسطوره‌ای ایران با افراسیاب پادشاه توران، گروهی از سپاهیان افراسیاب به اسارت سپاه کیخسرو در می‌آیند. کیخسرو با وجود کینه زرفی که تورانیان از وی داشته‌اند، با مهربانی به آنان رو می‌کند و ضمن همدردی با آنان، اسیران را در ماندن نزد کیخسرو بعنوان مهمان یا بازگشت به سرزمین خود مخیّر می‌سازد.

و دیگر که خوانند بیداد و شوم
که ویران کند مهتر آباد بوم^{۲۷}
در بخش تاریخی شاهنامه آمده است که انوشیروان پادشاه ساسانی به جنگ با روم شرقی (بیزانس) پرداخته و در ۵۴۰ میلادی انطاکیه در خاک روم (در سوریه امروزی) را گشوده است. انوشیروان پس از گرفتن انطاکیه، غارت اموال مردمان آن شهر را ممنوع می‌کند و به سپاهیان می‌گوید:

از این پس گر آید زجایی خروش
ز بیدادی و غارت و جنگ و جوش
ستمکارگان را کنم بر دو نیم
کسی کو ندارد ز دادار بیم^{۲۸}

در زمینه زشتی و ناروا بودن حمله به کسی که جنگ افزار بر زمین گذاشته است، در بخش تاریخی شاهنامه و در چارچوب وصایای اردشیر بابکان پایه‌گذار شاهنشاهی ساسانی (متوفی ۲۴۲ میلادی) آمده است:

چو پیروز گردی ز تن خون‌مریز
چو شد دشمن بدکنش در گریز
چو خواهد ز دشمن کسی زینهار
تو ز نهاده باش و کینه‌مدار
چو تو پشت دشمن ببینی به چیز
متاز و مپرداز هم جای نیز^{۲۹}
«اصل تفکیک»

در شاهنامه فردوسی، بارها بر جدا بودن نظامیان از غیر نظامیان و هدفهای نظامی از هدفهای غیر نظامی انگشت گذاشته شده است که در زیر به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

کیخسرو در جنگ با توران، به سربازان خود لزوم خودداری از دست درازی به جان و مال غیر نظامیان را یادآوری می‌کند و در این باره می‌گوید:

سر بیگناهان نباید برید
ز خون ریختن دست باید کشید
نه مردی بود خیره آشوفتن
بزیر اندر آورده را کوفتن
نیاید جهان آفرین را پسند
که جویند بر بیگناهان گزند^{۳۰}

همو، درباره ممنوعیت دست درازی به زنان می گوید:

ز پوشیده رویان پیچید روی

هر آنکس که پوشیده دارد بکوی^{۳۱}

فردوسی، در بخش تاریخی شاهنامه، به هنگام پرداختن به گشوده شدن انطاکیه به دست انوشیروان، سخنان او به سربازانش درباره خودداری از دست اندازی به جان و دارایی غیر نظامیان را باز می گوید:

اگر هیچ بانگ زن و مرد پیر

و گر غارت و شورش و دار و گیر

بگوش من آید بتار یک شب

که بگشاید از رنج یک مرد لب

هم اندر زمان آنکه فریاد از اوست

پر از کاه بینندش آکنده پوست^{۳۲}

بهره سخن

در شاهنامه فردوسی، بعنوان برجسته ترین نماد فرهنگ و تمدن ایرانی، به ستایش صلح و نكوهش جنگ پرداخته شده و همچنین بر ارزشهای بشردوستانه ای مانند ناروا بودن دست اندازی به جان و دارایی غیر نظامیان در جنگ، خوش رفتاری با اسیران و نظامیان تسلیم شده و پاس داشتن کرامت انسانی نیروهای دشمن انگشت گذاشته شده است. امید است آگاهی از پیشینه ارزشهای بشردوستانه در فرهنگ و تاریخ جهان، زمینه ای بهتر برای پذیرش و رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه در سرتاسر جهان فراهم آورد.

پی نوشت ها:

۱. کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیریهای مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، ج ۲، تهران، تابستان ۱۳۸۶، ص ۶
۲. همان
۳. مصطفی محقق داماد، «تدوین حقوق بشردوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش. ۱۸، ص ۱۵۲
۴. کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، پیشین، صص ۱۹-۱۶

۵. برای آشنایی بیشتر با ساختار، وظایف و صلاحیتهای دیوان کیفری بین المللی، ن.ك: اسحاق آل حبیب، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸

۶. جمشید ممتاز، امیرحسین رنجبریان، «حقوق بین الملل بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه داخلی»، میزان، بهار ۱۳۸۴، ص ۷۱

۷. همان، ص ۴۲

۸. همان، صص ۷۴-۶۹

۹. برای آگاهی از نقش عرف در حقوق بین المللی بشردوستانه، ن.ك: ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدیک با همکاری کارولین آلورمن، کنوت دورمن و باتیست رول، حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، ویرایش متن: کتابون حسین نژاد و پوریا عسگری، تهران، مجد، ۱۳۸۷

۱۰. همان

۱۱. ر. گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چ ۸، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، صص ۱۴۴-۱۴۱

۱۲. حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی، به تصحیح و مقابله و همت: محمدرضائی، ج ۲، تهران، خاور، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۵۰۹

۱۳. همان، ج ۱، ص ۴۵۱

۱۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۱

۱۵. همان.

۱۶. همان، ج ۱، ص ۵۰۹

۱۷. همان، صص ۴۴۴-۴۴۵

۱۸. همان، صص ۷۴-۷۳

۱۹. همان، ص ۱۶۱

۲۰. همان، ص ۴۵۵

۲۱. همان، ص ۱۶۱

۲۲. همان، ص ۴۵۴

۲۳. همان، ج ۳، ص ۶۲

۲۴. همان، ج ۴، صص ۱۸۳-۱۸۲

۲۵. همان.

۲۶. همان، ج ۲، ص ۴۸۶

۲۷. همان، ج ۳، ص ۶۳

۲۸. همان، ج ۴، ص ۳۹۵

۲۹. همان، ج ۴، ص ۱۳۱

۳۰. همان، ج ۳، ص ۶۳

۳۱. همان.

۳۲. همان، ج ۴، ص ۳۹۵